

منابع انسانی، عامل اصلی توسعه پایدار

علی اصغر فانی

انقلاب اسلامی با رهبری امام خمینی(ره) در بهمن 57 به پیروزی رسید و توجه و رسیدگی به مناطق کمتر توسعه یافته در اولویت همه دولت‌ها قرار گرفته است. دولت‌ها اعم از اصولگرا یا اصلاح طلب و اعتدالی اعتبارات قابل ملاحظه‌ای را صرف آبادانی مناطق محروم کرده‌اند اما این اقدامات خیلی موثر نبوده و می‌توان گفت: «مناطق محروم هنوز محرومند.» بانک جهانی: سرمایه هر کشور از سه جزء تشکیل شده است؛ سرمایه انسانی، سرمایه طبیعی و سرمایه فیزیکی. منظور از سرمایه انسانی کمیت و کیفیت نیروی متخصص آن کشور است. سرمایه طبیعی، سرمایه‌ای است که خداوند عطا کرده مثل نفت و گاز و... و سرمایه فیزیکی مستحدثاتی است که به دست انسان به وجود آمده مانند کارخانجات، جاده‌ها و... بانک جهانی به عنوان یک شاخص، توسعه یافتگی را در گروه توسعه سرمایه انسانی جوامع می‌داند. فرض کنیم در یک منطقه محروم دولت یا شخص خیری یک دبیرستان احداث می‌کند. برای راه‌اندازی این مدرسه نیازمند دبیر متخصص هستیم هر چه بیشتر می‌گردیم کمتر می‌یابیم. به ناچار از اولین شهری که نیروی مورد نیاز مدرسه را دارا باشد، مثلا دبیر فیزیک را استخدام می‌کنیم. این نیرو که از ردیف‌های استخدامی منطقه محروم استفاده کرده با تلاش‌ها و پیگیری‌های فراوان خود را به زادگاهش منتقل کرده است و روز از نو و روزی از نو، دوباره منطقه محروم بی‌معلم می‌شود یعنی در مناطق محروم همیشه یا نیروی متخصص نیست و یا معلمین موجود با سابقه خدمتی کم بوده و در نتیجه معلمین این مناطق کم‌تجربه‌اند. این تجربه هم در مورد بیمارستان و یا هر نهاد دیگری که خدمات عمومی می‌دهد صادق است. راه برون‌رفت ما تربیت نیروی متخصص بومی است که این نیرو در دبیرستان تدریس و در بیمارستان به خدمت درمانی پردازد و در نهادهای خدماتی دیگر، ارایه خدمات دهد. در حال حاضر بسیاری از مناطق محروم متوسطه 2 یا هنرستان ندارند و یا هنرستان آنها رشته‌هایی را عرضه می‌کنند که مورد نیاز منطقه نیست. دبیرستان‌ها هم فقط رشته علوم انسانی با کادر آموزشی بعضا

غیرمرتبط دارند. معنای این وضعیت این است که این منطقه محروم که فاقد رشته‌های ریاضی و فیزیک و تجربی هستند در آینده مهندس و پزشک بومی نخواهند داشت. زیرساخت نیروی انسانی را آموزش و پرورش تامین می‌کند، خروجی‌های آموزش و پرورش وارد دانشگاه شده و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی نیروی متخصص را تشکیل می‌دهند.

در کشور 750 منطقه آموزشی وجود دارد که همگی اختیارات یک اداره مستقل را دارند. بعضی از شهرستان‌ها دارای 5 منطقه آموزشی هستند. در سال 97 این 750 منطقه با 14 شاخص (از جمله میانگین معدل امتحانات نهایی و قبولی در دانشگاه، گذر تحصیلی از ابتدایی به متوسطه اول، از متوسطه اول به متوسطه دوم، آموزش دختران، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و...) امتیازدهی و مرتب شد. 110 منطقه آموزشی از انتهای لیست به عنوان مناطق محروم آموزشی شناسایی شد. این 110 منطقه محروم آموزشی بوده و ارتباطی به محرومیت معیشتی ندارد. یک سازمان مردم‌نهاد (NGO) با اخذ مجوز از وزارت کشور، 43 منطقه از 110 منطقه مزبور را به قسمی که در هر استان حداقل یک منطقه را دربرگیرد، فعالیت خود را در کنار و همراه آموزش و پرورش و نه به جای آموزش و پرورش آغاز کرد.

اعم برنامه‌های این نهاد مردمی عبارتند از:

- 1- آموزش معلمان ابتدایی و توانمندسازی آموزگاران
- 2- در متوسطه اول، تقویت دروس ریاضی و علوم با هدف توسعه رشته‌های ریاضی، تجربی در متوسطه دوم
- 3- برگزاری آزمون‌های مرحله‌ای با هدف سنجش توان علمی دانش‌آموزان پایه دهم و یازدهم. صدور کارنامه و ارائه خدمات مشاوره‌ای
- 4- برگزاری کلاس کنکور برای دانش‌آموزان پایه دوازدهم به همراه برگزاری حداقل 10 نوبت آزمون و ارائه کارنامه و خدمات مشاوره‌ای شایسته است وزارت آموزش و پرورش به نمایندگی از دولت با استفاده از انگیزه و پتانسیل NGOها بقیه مناطق محروم آموزشی (57=110-43) را نیز تحت پوشش حمایتی قرار دهد.

منبع: روزنامه اعتماد 27 شهریور 1402 خورشیدی